

دکتر علی عبدی / انتخابات ریاست جمهوری ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ هنوز داغ‌ترین حادثه سیاسی این روزهای ایران است و البته بازار مباحثات و تحلیل‌های نتیجه آن نیز هنوز گرم است. هر روز شاهد انتشار تحلیل‌های فراوانی درباره نتیجه این انتخابات در رسانه‌های گوناگون هستیم. عموم این تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها، تحلیل‌های سیاسی انتخابات است؛ تحلیل‌هایی ناظر بر کنش‌های سیاسی نامزدها، تأثیر نوع سیاست‌ورزی آنها بر نتیجه، نوع راهبردهای انتخاباتی و کمپین آنها، عملیات روانی آنها و مواردی از این دست. اما آنچه کمتر به آن توجه شد، آسیب‌شناسی چرایی و چگونگی ناکامی جبهه اصولگرایان در کسب پیروزی بود.

معدود آسیب‌شناسی‌هایی هم که در این مدت از سوی دو طرف انتخابات (البته بیشتر از سوی جبهه اصولگرایان) صورت پذیرفته است، آسیب‌شناسی‌های سیاسی و ناظر بر حوزه سیاسی انتخابات بوده است و بیشتر از آن به عمق رخنه نکرده‌اند، در حالی که نگاه آسیب‌شناسی جدی و اساسی ضروری است تا ناظر بر تحلیل و آنالیز گره‌ها و مسائل ریشه‌ای‌تر و غیر سیاسی باشد و تمام ابعاد ماجرا را پوشش دهد. پر واضح است که هر تحول سیاسی سوبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هم دارد که نادیده گرفتن آنها موجب یکسویه شدن آسیب‌شناسی و ناقص ماندن آن می‌شود.

این نوشتار بر آن است ضمن پرداختن به ریشه‌های ناکامی انتخابات ۹۶ برای جبهه سیاسی اصولگرایی، به ابعاد کمتر گفته شده و نادیده گرفته شده این انتخابات بپردازد. ابعاد و وجوهی که متأسفانه طی سال‌ها و انتخابات‌های گذشته حلقه مفقوده جریان فکری و تصمیم‌ساز اصولگرایان بوده است. متأسفانه نبودن رویکرد خودانتقادی در جبهه اصولگرایی سیاسی یکی از دلایل ناکامی‌های سیاسی سال‌های اخیر آنان بوده است و تا زمانی که رویکرد انتقادی در این جریان به حرکت نیفتد و جاری نشود، باید انتظار تکرار شکست‌های سیاسی آنها را داشت.

آسیب‌شناسی انتخابات مبتنی بر جامعه‌شناسی فرهنگی - سیاسی

جامعه‌شناسی فرهنگی دانشی اجتماعی و نوعی دیسیپلین علمی میان‌رشته‌ای است که از ترکیب دانش جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی حاصل شده و به مطالعه فرهنگ حاکم بر جوامع و مطالعه زندگی گروهی انسان‌ها و علل، نتایج و آثار رفتارهای اجتماعی با تأکید بر «فرهنگ» به مثابه ویژگی و مشخصه انسان در مقابل سایر موجودات می‌پردازد. در این علم با نگرشی جامعه‌شناسانه، شیوه زندگی در جوامع مختلف جهان بررسی می‌شود.

جامعه‌شناسی فرهنگی به تمام ابعاد و جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی، هنری و... جامعه توجه دارد. تغییر در هر یک از جنبه‌ها و ابعاد مذکور می‌تواند موجب تغییر در سایر ابعاد و جنبه‌ها شده و همچنین، چنانچه برخی از ابعاد و جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی، هنری و... متناسب و متوازن با سایر ابعاد، تغییر پیدا نکنند و خودشان را با تغییرات سایر جنبه‌ها تطبیق ندهند، جامعه نه تنها در آن بعد خاص، که در کلیت خود دچار مشکل و اختلال در کارکرد عناصر فرهنگی، سیاسی، مذهبی و... می‌شود. برای نمونه، اگر جامعه از نظر صورت‌بندی اجتماعی دچار تحولات اساسی شود، ولیکن نهادهای خانواده یا تعلیم و تربیت به همان صورت سنتی باقی مانده و نتوانند خود را با تحولات ایجاد شده تطبیق دهند، جامعه دچار وضعیت آنومی خواهد شد.

از سوی دیگر، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشی است که پدیده‌های سیاسی را از منظر جامعه‌شناختی تحلیل می‌کند و از علوم میان‌رشته‌ای مرتبط با علوم سیاسی و جامعه‌شناسی است. بررسی رابطه میان جامعه، نیروها و گروه‌های اجتماعی و ساختار قدرت سیاسی از موضوعات عمده این رشته به شمار می‌آید. جامعه‌شناسی سیاسی پویای سیاسی را با رویکرد جامعه‌شناسانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و با تحلیل رابطه بین ساختارهای اجتماعی و ساختارهای سیاسی و بین رفتار اجتماعی و رفتار سیاسی، سیاست را در زمینه اجتماعی آن قرار می‌دهد.

در این نوشتار سعی می‌شود تا با ترکیب جامعه‌شناسی فرهنگی و سیاسی، الگویی بومی و تئوریک با رویکرد انتقادی - تحلیلی برای آسیب‌شناسی انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ ارائه شود.

ساختار اجتماعی (Social Structure) به روابط و مناسبات نسبتاً ثابت و تقریباً پایداری می‌گویند که میان افراد یا گروه‌های اجتماعی یک جامعه که تحت مجموعه مشترکی از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی گرد آمده‌اند، برقرار باشد. در واقع، ساختار اجتماعی مجموعه روابط و پیوندهایی است که میان افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف یک جامعه برقرار است و نهادها و رفتارهای اجتماعی یا فرهنگی در آن جامعه براساس این روابط ترتیب و تنظیم می‌یابند. ساختار فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای را می‌توان به یک هرم تشبیه کرد؛ هرمی که از رأس آغاز شده و به قاعده می‌انجامد. روابط میان اجزای این هرم مبتنی بر رهیافت‌های نظری جامعه‌شناسی فرهنگی و سیاسی، رابطه‌ای دیالکتیکی و دوسویه از بالا به پایین و از پایین به بالا است. در این یادداشت نیز، متغیر اصلی و مستقل تحلیل، همین هرم اجتماعی خواهد بود، البته با ذکر مشخصاتی که بیان خواهد شد.

در رأس این هرم فرهنگی - اجتماعی، یک «هسته سخت فرهنگی» قرار دارد که می‌توان از آن به «جامعه نخبگانی» نام برد. این هسته سخت فرهنگی یا جامعه نخبگانی هسته تولیدگر گفتمان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هستند که می‌توانند آن را به جامعه عرضه کنند و به فراخور در دسترس بودن این گفتمان‌ها و قابلیت حل مسائل اقشار و طبقات اجتماعی امکان فراگیری و تسلط بر جامعه را می‌یابند. این هسته سخت فرهنگی سه کار ویژه اصلی دارد: ۱- تولید نظام معنایی؛ ۲- گفتمان‌سازی و ۳- تولید سرمایه فرهنگی.

حلقه دوم و اصلی این هرم اجتماعی، بدنه اجتماعی است که به مثابه حلقه واسط میان هسته سخت فرهنگی و قاعده جامعه نقش‌آفرینی می‌کند. این بدنه اجتماعی به طور نظام‌مند و ساختاری با هسته سخت فرهنگی ارتباط داشته و به شدت مصرف‌کننده تولیدات گفتمانی و فکری آن بوده و این تولیدات را با تنزل سطح ادبیاتی و تئوریک آن به شکل گفتمان اجتماعی به دست قاعده جامعه می‌رساند و منتقل می‌کند. اینان حاملان تولیدات فکری هسته سخت فرهنگی برای توده‌ها و اقشار اجتماعی هستند و به مثابه ماشین اجتماعی هسته سخت فرهنگی عمل می‌کنند. نکته مهم در این است که مبتنی بر این رابطه دیالکتیکی، هسته سخت فرهنگی بدنه اجتماعی را به تکان واداشته و به مثابه موتور محرکه بدنه اجتماعی عمل می‌کند و بدنه اجتماعی هم به مثابه موتور محرکه قاعده اجتماعی جامعه عمل کرده و آن را به تحرک وامی‌دارد.

مهندسی هرم اجتماعی؛ مقایسه جبهه اصولگرایی و جبهه مقابل

مسئله کلیدی در این هرم این است که جریان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، چگونه هرم اجتماعی را مطابق با خواست و اراده سیاسی‌شان مهندسی و ساماندهی می‌کنند. هر جریانی که در مهندسی اجتماعی هرم فرهنگی - اجتماعی جامعه توفیق بیشتری داشته باشد، در مهندسی کلان اجتماعی نیز موفقیت بیشتری کسب خواهد کرد.

هر جریانی می‌تواند هرم اجتماعی خاص خود را داشته باشد و گستردگی و عمق این هرم برای هر جریانی، بسته به میزان قدرت مهندسی آن و نیز میزان گستردگی و عمق نفوذ هسته سخت فرهنگی آن در لایه‌های اجتماعی و نیز اقشار و طبقات اجتماعی است. هر چقدر گفتمان هسته سخت فرهنگی در لایه‌های اجتماعی گسترش بیشتری داشته باشد، توان مهندسی اجتماعی و فرهنگی آن نیز افزایش خواهد یافت. این هرم اجتماعی و فرهنگی، البته کارویژه سیاسی نیز دارد و می‌تواند در بزنگاه‌های سیاسی کشور و به ویژه در عرصه انتخابات‌ها نقش راهبردی و سرنوشت‌ساز بازی کند.

بخش اصلی آسیب‌شناسی انتخابات ۹۶ در همین هرم فرهنگی - اجتماعی نهفته است. واقعیت آن است که جریان سیاسی اصلاحات و فتنه، به انضمام اعتدال طی سال‌های ۸۸ به این سو به توانمندی و قابلیت بالایی در مهندسی هرم اجتماعی - فرهنگی دست یافته‌اند که متأسفانه این ظرفیت در جبهه اصولگرایی دیده نمی‌شود.

جبهه اصلاحات و فتنه، دارای یک هسته سخت فرهنگی است که از آغاز دهه ۱۳۷۰ در قالب حلقه کیان و روشنفکری دینی ساماندهی شد که البته به مرور تحولاتی را به خود دیده است. این هسته سخت فرهنگی اگر زمانی در قالب ماهنامه کیان و بعدها آیین ساماندهی و تشکل و هماهنگی گفتمانی می‌یافت، اما امروز این مهم را ماهنامه مهرنامه بر عهده دارد؛ ماهنامه‌ای که با حلقه‌ای از نشریات دیگر چون سیاست‌نامه، تجربه و اندیشه پویا تقویت می‌شود. این هسته سخت فرهنگی یک جامعه نخبگانی حدود ۱۰ هزار نفره را شامل می‌شود که طیفی از استادان دانشگاه‌ها و هیئت‌های علمی، روشنفکران، مترجمان و اندیشه‌ورزان و اندیشه‌پردازان را شامل می‌شود.

این جامعه نخبگانی که به وسیله مهرنامه متشکل شده و هماهنگی گفتمانی می‌شوند، با تولید نظام معنایی، گفتمان و سرمایه فرهنگی موجب تکان و حرکت بدنه اجتماعی جریان سیاسی متبوع خود می‌شوند که پایگاه اصلی آنان طبقه متوسط جدید است. بخش عمده این بدنه اجتماعی را هنرمندان، دانشجویان، کارمندان، زنان، جوانان، روزنامه‌نگاران، اصحاب رسانه و... تشکیل می‌دهد. این بدنه سرمایه اجتماعی لازم را برای جریان خود تولید کرده و گفتمان هسته سخت فرهنگی را مردمی و توده‌ای می‌کند. ابزار این بدنه اجتماعی برای تشکیل‌یابی گفتمانی خود، مطبوعات زنجیره‌ای است. این بدنه برای مردمی کردن گفتمان آنتاگونیستی هسته سخت فرهنگی، از شبکه‌های اجتماعی بهره می‌برد که البته شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبانی چون بی‌بی‌سی فارسی، من و تو و... نیز همین گفتمان را پشتیبانی و حمایت می‌کنند. البته نقش شبکه‌های تلگرامی هماهنگ با این جریان چون آمدنیوز را نیز نباید نادیده گرفت.

این مهندسی هرم فرهنگی و اجتماعی طی سال‌های اخیر بارها و بارها انتخابات را به شیوه دیگر و در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی از طریق بدنه اجتماعی خود، پیاده‌سازی کرده است. انتخابات‌هایی معطوف به حوزه‌های سینما، کتاب، مطبوعات و مسائلی چون؛ حجاب، سگ‌کشی و حقوق حیوانات، محیط‌زیست و... در واقع این هرم به مثابه ماشین انتخابات به اجتماعی کردن و مدنی‌سازی انتخابات در حوزه‌های غیر سیاسی مبادرت می‌ورزد و پس از سال‌ها تمرین کمپین انتخابات در حوزه‌های غیر سیاسی، همین اسلوب را در شب انتخابات به حوزه سیاسی منتقل کرده و این هرم فرهنگی - اجتماعی و ماشین انتخاباتی را به مثابه سرمایه‌ای سیاسی در اختیار رأس سیاسی فتنه و اصلاحات قرار می‌دهد. پیروزی این جریان به همراه جریان اعتدال را از سال ۹۲ به این سو باید در همین چهارچوب تحلیل و ارزیابی کرد.

در این سو، در جبهه اصولگرایی، اگرچه بدنه اجتماعی خوبی موجود است که عمدتاً در قالب تشکل‌های دینی و هیئات مذهبی ساماندهی شده‌اند؛ اما گره اصلی در نبود هسته سخت فرهنگی و جامعه نخبگانی روشن و شفاف با سازوکار معین است. نبود این هسته سخت فرهنگی و نبود تشکل‌یابی گفتمانی آن، موجب سردرگمی و بلاتکلیفی بدنه اجتماعی و فرسایش و ریزش تدریجی آن شده و می‌شود. این همان خلأ مهمی است که قرار بود جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی با محوریت قرارگاه خاتم‌الاولیاء(ع) و سازمان اوج پر شود که متأسفانه نشد. در چنین وضعیتی، بدنه اجتماعی اصولگرایی دچار سردرگمی است که چه گفتمانی را به قاعده جامعه منتقل کند. گفتمانی که نه تولید شده و نه به دستش رسیده است، در حالی که ابزار ارتباط با قاعده را کم‌وبیش در اختیار دارد. تداوم این وضعیت به معنای تداوم شکست در انتخابات‌های آینده برای اصولگرایان خواهد بود، مگر آنکه هرم فرهنگی - اجتماعی اصولگرایی باز تعریف و باز مهندسی شود.